



تحلیل موتیف پروانه در اشعار پایداری
دکتر فریده داوودی مقدم، نازنین عادل
دانشیار ادبیات پایداری، دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات پایداری
دانشگاه شاهد

fdavoudy@gmail.com

a.nazanin71@yahoo.com

چکیده

در مطالعات نقد ادبی امروز، موتیف و کارکرد آن یکی از سر فصل‌های مهم در بررسی آثار و سیر اندیشه صاحب اثر، تحلیل سطح محتوایی اثر، دریافت رابطه فرم و محتوا و بررسی کیفیت این رابطه است. در واقع، «یک استراتژی تجزیه و تحلیلی مناسب در نقد ادبی، شناسایی موتیف‌ها و مشخص کردن اثر متقابل درون مایه‌ای آن‌هاست.» (شافر، 2005: 307).

موتیف یکی از باورهای مسلط در هر اثر ادبی و بخشی از معنا یا درون مایه اصلی اثر است. این معنی ممکن است شامل یک شخصیت، تصویر، یا یک الگوی تکرار شونده باشد. (تقوی، دهقان، 1388: 12)

دلیل انتخاب موتیف و پرداختن به آن در این پژوهش این است که به شناخت در سبک نویسنده یا شاعر در ادبیات تطبیقی و همچنین شناخت موتیف‌های مشترک در نقد ادبی دست پیدا کنیم.

بسیاری از شاعران کلاسیک در اشعار خود از موتیف پروانه استفاده کرده اند. در این اشعار پروانه نماد پالایش روح توسط آتش با اخگری سوزان در نظر گرفته شده، گویی جان برای پروانه قابل اعتنا و دارای اهمیت نیست و صفت عاشق بودن او را بر این می دارد که بدون توجه به جان خود در پی پالایش روح خود توسط آتش بر بیاید. در واقع فنا شدن توسط آتش و از دست دادن جان برای او تولدی دوباره است و موجب خروج روح او می شود.

در شعر معاصر نیز موتیف پروانه با روایتی که پیش از این گفته شد توسط شاعران معاصر استفاده شده است که در اشعار پایداری نمود بیشتری دارد.

این پژوهش در پی آن است که موتیف پروانه در اشعار شاعران شاخص پایداری که به نظر می رسد به حوزه ی نمادها توجه بیشتری دارند از جمله قیصر امین پور، سپیده کاشانی، سید حسن حسینی، حمید سبزواری و سلمان هراتی چه نمودی دارد؟

واژگان کلیدی: موتیف، پروانه، اشعار پایداری



مقدمه

ادبیات دوران معاصر در سده های اخیر شاهد ظهور و بروز سبک های مختلف در زمینه ادبیات (منظوم و منثور) بوده است. نقدهای ادبی در این دوران با زمینه های جامعه شناختی، روان شناختی و زمینه های ادبی مانند تحقیقات نوین زبان شناسی شناختی، فلسفی و غیره نمود داشته اند.

ضمن اینکه سبک های گوناگون و انواع نقد در این دوران به وجود آمد، شاهد ظهور مکاتب جدید در عرصه ادبیات می باشیم که ادبیات پایداری از این جمله می باشد.

بررسی شعر مقاومت از جنبه های گوناگون یکی از دلایل ضروری است که نگارنده را بر آن داشته تا در زمینه بررسی موتیف در ادبیات پایداری کار کند.

در فرهنگ اصطلاحات ادبی کادن آمده است: «موتیف یکی از باورهای مسلط در هر اثر ادبی و بخشی از معنا یا درونمایه اصلی اثر است. این معنی ممکن است شامل یک شخصیت، یک تصویر، یا یک الگوی زبانی تکرار شونده باشد» (کادن، 1998: ذیل موتیف).

از جمله مضامین پر کاربرد شعر فارسی به کار بردن کلماتی است که در دایره واژگان مربوط به گیاهان و حیوانات می باشد از جمله پرندگان قرار می گیرند که پروانه یکی از این نمونه ها می باشد.

برخی از این واژگان به صورت نمادین به کار می روند و برخی از آن ها روایت های گوناگون را پیرامون تعبیر نمادین خود شکل داده اند که از این منظر می توان گفت در ادب فارسی تبدیل به موتیف شده اند.

هدف

تحلیل موتیف «پروانه» و بررسی ماهیت و ابعاد آن در اشعار پایداری

اهداف فرعی:

- آشنایی با تعاریف موتیف
- آشنایی با اشعار پایداری
- تحلیل موتیف «پروانه» در اشعار پایداری شاعران کلاسیک
- تحلیل موتیف پروانه در اشعار پایداری شاعران مورد نظر

تئوری و پیشینه تحقیق

موتیف



«آن موضوع یا تمی است، که در کل آثار کسی یا در اثری خاص تکرار می شود و انس با یک نویسنده، عمدتاً منوط به آن است. موتیف، مستقیماً به مسأله ی سبک مربوط است.» دکتر شفیعی، آن را «مرکز تصویر و شبکه ی تداعی در شعر» می داند، مانند: شمع، پروانه، گل و بلبل. (صادق زاده، 1389: 287)

1. موتیف در معنای لغوی و اصطلاحی

ریشه ی واژگانی موتیف را فعل لاتین *movere* و اسم *motivus* در قرون وسطا می دانند که هر دو به حرکت کردن یا حرکت دادن به سمت جلو و اصرار، انگیزتن و به فعالیت واداشتن اشاره دارند. موتیف در شکل و کاربرد امروزی است که از زبان فرانسه به زبان های دیگر وارد شده است. (تقوی، دهقان، 1388: 10)

با اینکه بیشتر اصطلاحاتی که در تاریخ ادبیات و نقد ادبی سنتی با آن ها سروکار داریم در کتاب های مرجع تعریف شده اند، در عین حال تعدادی از اصطلاحات ممکن است در حوزه های متفاوت دستخوش تغییر معنایی شده باشند، یا در کشورهای مختلف معانی متفاوتی داشته باشند، یا نویسنده ای آن ها را به معانی مختلفی به کار برده باشد. حتی گاهی بعضی اصطلاحاتی که نویسنده ای بارها آن ها را به کار می برد، باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد تا انواع معانی و حتی تناقض در استفاده ی آن ها مشخص شود. این ویژگی ها تا حدود زیادی در مورد موتیف هم صدق می کند. (همان جا)

در فرهنگ آکسفورد موتیف در چند بخش توضیح داده شده است: اولین بخش به تعریف این اصطلاح در هنرهای مختلف (مانند نقاشی، مجسمه سازی، معماری، دکورسازی و...) اختصاص دارد. در موسیقی هم به چند معنا آمده است. علاوه بر این، در بافندگی و خیاطی نیز کاربرد دارد. در بخش دوم به معانی این اصطلاح در حوزه ی ادبیات پرداخته شده است. به این ترتیب، پراکندگی حوزه های کاربرد، صراحت معنایی و رسیدن به معنایی واحد را برای این اصطلاح دشوار کرده است. (همان جا)

2. تعریف موتیف در حوزه ی ادبیات

2_1. موتیف در فرهنگ اصطلاحات ادبی

در فرهنگ اصطلاحات کادن آمده است: «موتیف یکی از باورهای مسلط در هر اثر ادبی و بخشی از معنا یا درون مایه ی اصلی اثر است. این یعنی ممکن است شامل یک شخصیت، یک تصویر، یا یک الگوی زبانی تکرار شونده باشد.» (تقوی، دهقان، 1388: 12)

در فرهنگ اصطلاحات ادبی بالدیک موتیف یک موقعیت، واقعه، عقیده، تصویر و شخصیت نوعی است که در چندین اثر ادبی متفاوت یافت شود. در آثاری چون قصه های عامیانه یا اساطیری، هر عنصری ک به نحو استادانه ای در مضمون عام آن به کار رفته باشد، موتیف به شمار می آید؛ برای مثال تب کردن یک شخصیت در ادبیات داستانی دوره ی ویکتوریا، موتیف است یا در شعر غنایی اروپایی موتیف یوبی سانت (به معنای شکوه بر باد رفته) و کارپِ دِیم (به معنای دم را غنیمت شمردن) فراوان یافت می شود. هر جا که یک تصویر، حادثه، یا عناصر دیگر به گونه ای معنادار (یا حساسیت برانگیز) در اثر واحد تکرار شود، آن را لایت موتیف می خوانند. (همان جا)

در فرهنگ اصطلاحات ادبی شیپلی موتیف، واژه یا طرحی دانسته شده است که در موقعیت های مشابه تکرار می شود و برای فراخواندن یا یادآوری یک حالت یا روحیه ی مشابه در خلال یک اثر یا در آثار مختلف یک نوع ادبی به کار می ورد. (همان جا)

در فرهنگ های اصطلاحات ادبی ذیل موتیف به *تپس* و *تم* (درون مایه) هم اشاره شده است. گاهی معنای موتیف بسیار وسیع در نظر گرفته شده؛ به طوری که از فرم تا درون مایه را برگرفته است. فرهنگ اصطلاحات ادبی راتلیج ذیل فرم و درون مایه به توضیح موتیف پرداخته و آن را به زنجیری تشبیه کرده است که اجزای اثر را به هم مربوط می کند. در



تشبیهی دیگر، ساختار اثر ادبی (شامل پیرنگ، داستان و نتیجه گیری) به اسکلت، بافت اثر (شامل حجم، فصاحت، واژه گزینی و نحو) به پوست و موتیف ها به ماهیچه ها مانند شده است. (همان جا)

در فرهنگ شگردهای ادبی برنارد دوپرایز برای موتیف چند معنا در نظر گرفته شده که در یک معنا معادل درون مایه یا مضمون و کهن الگوست و در معنای دیگر عبارت است از: سرمشق یا الگوی گفتاری پویا با ساختار خیره کننده و برانگیزنده در کلیت اثر. این تعریف با تعریف موتیف در موسیقی همانند است. در فرهنگ روایت شناسی نیز اشاره شده است که موتیف یک واحد مضمونی حداقلی است و وقتی یک موتیف در اثری مکرر آمده باشد، لایت موتیف نامیده می شود. (تقوی، دهقان، 1388: 12)

بنابراین، موتیف عبارت است از: یک فکر، موضوع یا درون مایه ای که در قالب کلمات و عبارات، تصاویر خیالی، اعمال، مکان ها و... در درون یک اثر هنری نمود پیدا می کند. تکرار این عنصر یا الگوی معین، تاثیر مسلط اثر هنری را بوجود می آورد و غالبا بیان گر ذهنیت و حساسیت هنرمند نسبت به یک موضوع یا پدیده است، به گونه ای که این ذهنیت به صورت ملکه ی ذهنی او درآمده و پیوسته در جریان خلاقیت هنری خودنمایی می کند. (صادق زاده، 1389: 287)

اصطلاح «کلیدواژه» گاهی بر این عناصر دلالت می کند. موتیف ها هم، معنایی و هم تصویری و در حکم آفریده ی ذوق شاعر هنرمندان است. مسأله ی بسامد و تکرار در بررسی موتیف ها اهمیت بسزا دارد. مثلا: سعدی تعلق خاطری زیاد به قبلند و بلندی قامت دارد. کاربرد این بن مایه ی ذهنی در قالب تشبیه و استعاره ی قد سرو و قامت قیامت در غزل های او حیرت آور است. (صادق زاده، 1389: 287)

موتیف که در بیشتر ترجمه های ادبی فارسی معادل های بن مایه، مایه ی اصلی و نقش مایه برای آن برگزیده شده، یکی از مقوله های مهم مورد بحث در حوزه ی درون مایه شناسی یا دانش درون مایه است. در این حوزه بحث از موتیف، درون مایه، موضوع، کهن الگو، نمونه ی اولیه و تپس راهی است برای رسیدن به سطح یا سطوح اندیشه (نه صرفا معنا) و نظریه ای که در متن بیان می شود. (تقوی، دهقان، 1388: 8)

در مطالعات نقد ادبی امروز، موتیف و کارکرد آن یکی از سرفصل های مهم در بررسی آثار و سیر اندیشه ی صاحب اثر، تحلیل سطح محتوایی اثر، دریافت رابطه ی فرم و محتوا و بررسی کیفیت این رابطه است. درواقع، «یک استراتژی تجزیه و تحلیلی مناسب در نقد ادبی، شناسایی موتیف ها و مشخص کردن اثر متقاب درون مایه ای آن هاست.» (تقوی، دهقان، 1388: 8)

غفوری (۱۳۹۰) در پایان نامه ی خود با عنوان بررسی موتیف واژگانی در غزلیات صائب تبریزی از دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی مازندران، به این نکته دست یافته است که صائب موتیف هایش را غالبا با الهام گرفتن از مظاهر طبیعت، موجودات و اشیای پیرامون خود از طریق تداعی و با شگردهای بلاغی ویژه ی خود چون اسلوب معادله و ... خلق کرده است و در پس هر تصویر پیامی را برای خواننده در پی دارد.

در این رساله بیست و پنج موتیف از غزلیات صائب استخراج و بر اساس تداعی و تصویرسازی و پیام های آن ها تبیین و تحلیل شده است.

صادق زاده (۱۳۸۹) در مقاله ی خود با عنوان بررسی مختصات سبکی و موتیف پردازی در غزلیات کلیم کاشانی از دانشکده ی ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی یزد بیان داشته یکی از مختصات اصلی غزلیات کلیم، همین کاربرد موتیف های خاص است، که مرکز ثقل تخیل ست و نحوه ی نگرش وی را بیان می کند. موارد یاد شده، در این جستار با تجزیه و تحلیل غزلیات کلیم و بهره جستن از پیشینه ی تحقیق و با ذکر نمونه هایی بررسی شده است.



بهنام فر، دلپذیر (۱۳۹۲) در مقاله ی خود با عنوان موتیف آینه در دیوان خاقانی از دانشگاه بیرجند، بر اساس روش تحلیل محتوا، موتیف آینه را در دیوان خاقانی بررسی کرده اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که هنرنمایی خاقانی در این زمینه، تنها در بازی واژگانی، به کار بردن ترکیبات نو و استعاره های تازه و غریب نیست، بلکه در پشت این حجاب های رنگین، دریایی از دانش ها، باورها و عقاید گوناگون نهفته است.

سلاجقه (۱۳۹۴) در مقاله ی خود با عنوان جستاری تحلیلی در کارکرد موتیف های آشنا و آشنایی زدا در داستان های کودک و نوجوان از دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، موتیف ها را در دو محور بررسی کرده است. یکی بررسی و تحلیل کارکرد تکراری موتیف ها در یکی از آثار نویسنده و دیگر، بررسی تکرار آن ها در تعدادی از آثار یک نویسنده. در پایان مقاله علاوه بر بیان نتایج یافته های بررسی، به منظور کمک به مطالعه ی موتیف ها در آثار داستانی و همچنین تقویت نقد ساختاری و پدیدار شناسانه ی متون داستانی، نوعی طبقه بندی برای انواع موتیف ها، به ویژه، با تکیه بر شگردهای آشنایی زدایی، ارائه شده است.

شمس آبادی، کارآمد (۱۳۹۵) در مقاله ی خود با عنوان بررسی کارکرد موتیف نمادگرایی یوسف (ع) و بازآفرینی آن در اشعار محمود درویش و قیصر امین پور، به روش تحلیلی - توصیفی به بیان دیدگاه محمود درویش و قیصر امین پور در مورد یوسف (ع) و چگونگی بازآفرینی آن مپرداخته اند و از بین عناصر داستان یوسف(ع)، غربت و بی پناهی یوسف، برادرکشی، مفهوم سیاسی و اجتماعی یوسف (ع)، چاه، مفهوم انتظار، پیراهن و حُسن یوسف (ع) را مطرح کرده اند.

مواد و روشها:

تحلیل محتوای کیفی و از نوع مضمونی، بر اساس نمونه های موجود از آثار شعری قیصر امین پور، سپیده کاشانی، سید حسن حسینی، سلمان هراتی و حمید سبزواری

نتایج و بحث

که می گوید ستم، جان ستمگر را نمی سوزد؟/ بسوزد شمع چون بال و پر پروانه می سوزد
جلد اول / صفحه ی 150

شمع با انوار جانان است و تو پروانه ای / دشمن جان و غلام شمع با انوار باش
کار پروانه است گرد شمع خود را سوختن / تو نه آخر کمتر از پروانه ای در کار باش
(سنایی، 1341: 311)

ابیات بالا از اشعار حمید سبزواری و سنایی انتخاب شده که در آنها از موتیف پروانه استفاده شده است. همانطور که گفته شد موتیف یکی از باورهای مسلط در هر اثر ادبی و بخشی از معنا یا درون مایه ی اصلی اثر است. برای مثال در ابیات انتخاب شده پروانه نماد پالایش روح توسط اخگری سوزان در نظر گرفته شده، گویی جان برای پروانه قابل اعتنا و دارای اهمیت نیست و صفت عاشق بودن او را بر این می دارد که بدون توجه به جان خود در پی پالایش روح خود توسط آتش بربیاید. در واقع فنا شدن توسط آتش و از دست دادن جان برای او تولدی دوباره است و موجب عروج روح او می ود. تحلیل

های فوق با آنچه که در باب پروانه در حوزه ی نماد در ادب کلاسیک به کار رفته است هماهنگی دارد و اثبات می کند که در این اشعار پروانه به عنوان یک موتیف به کار رفته است.

آهنگ و سرود لبثان سوختن است / اندیشه ی روز و شبثان سوختن است
این چیست میان تو و پروانه و شمع / کز روز ازل مذهبثان سوختن است؟
(ص 481)

برو بدزد ز پروانه خوی جانبازی! / که آن تو را به سوی نور شمع دین کشدا!
(مولانا، 1385: 115)

در شعر اول که از قیصر امین پور انتخاب شده است مخاطب شاعر به پروانه ای مانند شده که تمام فکر و ذکرش سوختن و فنا شدن است. گویی رازی میان پروانه و شمع و مخاطب شاعر وجود دارد که شاعر در پی درک آن راز است. در این دو بیت نه تنها پروانه، بلکه شمع نیز می سوزد و فنا می شود تا هر دو به هدف بالاتری که شاید همان راز میان آن دو و مخاطب شاعر محسوب می شود نزدیک شوند. نکته ای که در این دو بیت قابل توجه است این است که تو و پروانه و شمع از روز ازل و ابتدایی هستی در فکر سوختن بوده اند یعنی به وجود آمده اند تا روزی فنا شوند و برای هدفی والا بسوزند، تا حدی که این فکر و بینش توسط شاعر مذهب خطاب شده است و این یعنی تمام باور و اعتقاد یک موجود یا شخص. با توجه به توضیحاتی که داده شد در بیت دوم که از مولانا انتخاب شده است پروانه با صفت جانباز مورد خطاب قرار گرفته است که این موضوع ارتباط معنایی دو بیت بالا با این بیت مولانا را بیان می کند.

نتیجه گیری

موتیف پروانه چه در اشعار معاصر و چه در اشعار کلاسیک مفهوم و روایتی مشترک را یادآور می شود و آن بی اعتنایی به جان خویش و تمایل به فنا شدن و بعد از آن اعتقاد به عروج به سمت بالا و تولدی دوباره است. می توان علت شتاب و تمایل بیش از حد پروانه به فنا شدن و سوختن در شعله ی شمع را این نکته دانست که پروانه که شاید نماد روح باشد بر این باور است که بعد از سوختن و مرگ از بین نمی رود بلکه دوباره متولد می شود و حیات جدیدی را آغاز می کند، همانطور که انسان ها بعد از مرگ و در روز رستاخیز به اراده ی خداوند از قبرهای خود برمی خیزند و به سوی حق می شتابند تا زندگی ابدی خود را آغاز کنند.

منابع:

امین پور، قیصر، مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور، مروارید، 1392
بهنام فر، دلپذیر، موتیف آینه در دیوان خاقانی، بوستان ادب، شماره 4، 1392
تقوی، محمد و دهقان، الهام، موتیف چیست و چگونه شکل می گیرد؟، فصلنامه تخصصی نقد ادبی، شماره ی ،

1388



- سبزواری، حمید، دیوان شعر، جلد دوم، نشر کیهان، 1368
- سنایی غزنوی، ابوالمجدود بن آدم، دیوان شعر، نشر ابن سینا، 1341
- سلاجقه، پروین، جستاری تحلیلی در کارکرد موتیف‌های آشنا و آشنایی زدا در داستان‌های کودک و نوجوان،
مصالعات ادبیات کودک، شماره 2، 1394
- شمس آبادی، کارآمد، بررسی کارکرد موتیف نمادگرایی یوسف (ع) و بازآفرینی آن در اشعار محمود درویش و قیصر
امین پور، فصلنامه علمی و پژوهشی، شماره 3، 1395
- صادق زاده، محمود، بررسی مختصات سبکی و موتیف پردازی در غزلیات کلیم کاشانی، پژوهشنامه‌ی ادبیات
تعلیمی، شماره‌ی 23، 1389
- غفوری، عفت سادات، بررسی موتیف واژگانی در غزلیات صائب تبریزی، شعر پژوهشی (بوستان ادب)، شماره ی 3،
1390
- کلیات شمس تبریزی، براساس نسخه ی بدیع الزمان فروزانفر، نشر ارمغان طویی، 1385